



## شماره ثبت: ۳۲۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مستثنیات.....
۲	مرور به گذشته.....
۲	ادله ششم: تراحم.....
۲	اشکال به ادله ششم.....
۲	اشکال اول.....
۲	جواب اشکال.....
۳	نظریات موجود در احتمال ششم.....
۳	اشکال دوم.....
۴	جمع بندی.....
۴	نکته مهم.....
۴	قول دوم: قولی که امر به معروف را استثنا می داند.....
۴	ادله قول دوم.....



## تولی من قبل الجائر

### مستثنیات

### مرور به گذشته

استثنای دومی که عرض کردیم، احیای امر به معروف و نهی از منکر بود. اقوال و دیدگاه‌هایی را اجمالاً عرض کردیم. در مکاسب نیز به صورت تفصیل شیخ اقوال را نقل کرده‌اند.

### ادله ششم: تراحم

ششمین دلیل، قاعده تراحم است. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر چنان است که اگر با امر حرامی تراحم پیدا کند، اولی و مقدم است. در اینجا نیز امر به معروف و نهی از منکر برای دفع منکرات و احیای معارف دینی، با حرمت تولی من قبل الجائر تراحم کرده است.

این ششمین دلیل، تمسک به تنقیح مناط و اولویت، الفاظ نیست، بلکه یک دلیل کاملاً قاطعانه است.

### اشکال به ادله ششم

#### اشکال اول

ممکن است کسی بگوید تکلیف ورود در دستگاه جرم که از گناهان کبیره به شمار می‌آید، اهم از امر به معروف و نهی از منکر است.

#### جواب اشکال

اگر استثنای اول وجود نداشت و گفته نمی‌شد که به خاطر مصالح العباد وارد دستگاه بشویم، از این روایت نمی‌توانستیم دست بکشیم. اما اکنون می‌دانیم که این حکم با اهمیت را با استثنایی، می‌توانیم کنار بگذاریم. این که بگوییم چیزی بر او مقدم نمی‌شود، اشتباه است. استثنای اول نشان می‌دهد که اهمیت این امر فائق بر تمام امور نیست.



## شماره ثبت: ۳۲۰۰

البته باید دانست که گاهی امر به معروف و نهی از منکر سهل گرفته شده است. در جاهایی امر شده است که امر به معروف و نهی از منکر نکنید.

در اینجا ما می‌گوییم که یا باید وارد دستگاه بشود و امر به معروف و نهی از منکر کند، یا اینکه وارد دستگاه نشود. به صورت کلی نمی‌توانیم بگوییم که کدام اهم است. هر جا که توانستیم اهم را استناد کنیم، قاعده تراحم وجود دارد. هر جا که اهم را نتوانیم استناد کنیم، تخییر است.

### نظریات موجود در احتمال ششم

۱. با در نظر گرفتن توصیفاتی که برای امر به معروف و نهی از منکر شده است و از طرفی به خاطر استثناهای روانی که در تولی من قبل جائر وارد شده است، نشان‌دهنده این است که امر به معروف مهم‌تر است.

۲. ورود در دستگاه جرم بسیار با اهمیت است. استثناهایی نیز وارد شده است. از سویی امر به معروف و نهی از منکر نیز شرایط سهل و آسانی گرفته شده است.

دو طرف می‌توانند شواهدی را بیاورند که یکی را بر دیگری اهم بدانند. اگر شواهد را ببینیم، تخییر اتفاق می‌افتد.

هم‌وزنی دو طرف باعث می‌شود که تخییر صورت بگیرد.

### اشکال دوم

در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر باید به دو مورد نگاه کنیم:

۱. در روایات بسیار تأکید شده است. امر به معروف یک پشتوانه برای واجبات است. چون نقش حمایتی و پشتوانه‌ای نسبت به تکالیف دیگر دارد، اهمیت دارد. این نشان‌دهنده اهمیت امر به معروف و نهی از منکر است.

۲. ضمن اهمیت مطلقه امر به معروف، امر به معروف است و نهی از منکرات است. همه امر به معروف و نهی از منکرات قابل تشکیک هستند. گاهی امر به غصب نکردن مال مردم می‌کند، گاهی نهی از قتل نفس می‌کند یا از شرک نهی می‌کند. گاهی نیز امر به نماز می‌کند. این چند مورد در یک مرتبه نیست. عقل نیز نشان می‌دهد که این نهی و امر مراتبی دارد.



## شماره شصت: ۳۲۰۰

### جمع بندی

در تراحم امر به معروف و نهی از منکر با موارد دیگر، مطلقاً حرفی را نمی‌توانیم بزنیم. باید ببینیم که به چه معروفی و منکری تعلق گرفته است. امر به معروف و نهی از منکر یک اهمیت کلی دارد، ولی یک اهمیت مقایسه‌ای نیز دارد. اگر این را بپذیریم، باید بگوییم که هرگاه امر به معروف و نهی از منکر با حکمی دیگر تراحم پیدا کرد، نمی‌توانیم بگوییم که مطلقاً اهمی وجود ندارد.

ورود در دستگاه جرم نیز دارای مراتبی است. با توجه به دو نکته‌ی مذکور که هرکدام دارای مراتب و درجاتی هستند؛ نتیجه مشخص است. باید مورد به مورد بسنجیم. گاهی امر به معروف و نهی از منکر مقدم بر دخول است. مثل مواردی که جلوی رواج منکر بسیار عظیمی را می‌گیرد یا از قتل نفوس محترمه جلوگیری می‌کند، امر به معروف مقدم است. گاهی نیز حرمت دخول بر امر به معروف و نهی از منکر مقدم است. گاهی نیز با هم مساوی هستند که تخییر وجود دارد.

### نکته مهم

استثنا، به معنای خاص یعنی، دلیل بگوید از کلی تخصیص و تقیید بزند. ولی به معنای عام می‌توانیم بگوییم تراحم یک استثنا است.

## قول دوم: قولی که امر به معروف را استثنا می‌داند.

مرحوم سبزواری (ره)، حضرت امام (ره) و بعضی از بزرگان قولی مقابل دارند. ایشان می‌گویند دخول در سلطان امر مهمی است و امر به معروف و نهی از منکر نمی‌تواند با آن تقابل کند.

## ادله قول دوم

بعضی گفته‌اند دلیل خاصی نداریم و راهی برای تسری حکم قبلی به اینجا وجود ندارد.

ما نیز تقریباً این مطلب را پذیرفتیم. اما تراحم را باید روشن بکنیم.